اخبار

تشریح آخرین وضعیت پرونده قتل دانشجوی دانشگاه تهران

وکیل اولیای دم پرونده قتل امیرمحمد خالقی دانشجوی دانشگاه تهران درباره آخرین وضعیت این پرونده توضیحاتی ارائه کرد.

حمیدرضا حاجی اسفندیاری در خصوص پرونده قتل مرحوم امیر محمد خالقی، گفت: در اوایل خرداد ماه، تقاضای اجرای حکم قصاص از سوی ولی دم مرحوم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران تقدیم شده است.

وی افزود: تقاضای ولی دم، اجرای حکم قصاص در ملأ عام است که منوط به تایید قاضی اجرای احکام است و هنوز هیچ ابلاغی از سوی دادسرا مبنی بر نحوه و زمان اجرای حکم قصاص صورت نگرفته است.

وی گفت: عجالتاً وکیل متهم به قتل عمد، نسبت به رای قطعی صادره تقاضای اعاده دادرسی کرده که پرونده برای رسیدگی به شعبه اول دیوان عالی کشور ارجاع شده است.

حاجی اسفندیاری ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ به ایسنا گفته بود: رای بدوی این پرونده در اسفندماه سال گذشته از شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران صادر شد. اتهام متهمان برابر کیفرخواستی که از دادسرای جنایی تهران صادر کرده بود، برای متهم ردیف اول، «قتل عمد» بود که به قصاص و متهم ردیف دوم، «معاونت در قتل» بود که به اشد مجازات یعنی ۲۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند. هر دو متهم به اتهام دیگر با عنوان سرقت مقرون به آزار به ۱۵ سال حبس تعزیری و شلاق نیز محکوم شدند که مجازات اشد یعنی قصاص و ۲۵ سال حبس تعزیری اجرا می شود. پس از صدور حکم بدوی، وکلای طرفین نسبت به دادنامه صادره فرجام خواهی کردند و در اواسط فروردین ماه سال جاری پرونده به شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور ارجاع شد. در نهایت شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور، رای شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران را تایید کرد. لذا براساس رای صادره، مجازات قصاص برای متهم ردیف اول و مجازات ۲۵ سال تعزیری برای متهم دوم از سوی دیوان عالی کشور صادر و تایید شد و این رای دیروز به بنده ابلاغ شد.

امیر محمد خالقی دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران شامگاه چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ در محله کوی دانشگاه توسط دو سارق زورگیر به قتل رسید.

ورود ۱۱۶ اتوبوس برقی جدید به پایتخت تا دو هفته آتی

معاون حمل و نقل شهرداری تهران از ورود ۸۵ دستگاه اتوبوس برقی از محل قرارداد چین به تهران خبر داد و اعلام کرد: تا دو هفته آینده ۱۱۶ دستگاه اتوبوس دیگر نیز وارد تهران می شود.

محسن هرمزی در گفت وگو با ایسنا، در مورد آخرین وضعیت ورود اتوبوس‌ها برقی به ایران، گفت: ۱۵۱ دستگاه اتوبوس برقی ترخیص شده و تاکنون حدود ۸۵ دستگاه به تهران رسیده است و براساس برنامه ریزی های صورت گرفته این عدد تا آخر هفته به ۱۰۰ دستگاه می رسد.

وی با بیان ۵۰ دستگاه اتوبوس برقی نیز در حال تخلیه است گفت: در کل در این مدت ۲۰۱ دستگاه اتوبوس برقی به بندر عباس رسیده که حدود ۸۵ دستگاه به تهران رسیده است. ۱۰۱ دستگاه اتوبوس نیز تا دو هفته آینده وارد تهران می شود.

هرمزی در مورد سرانجام واگذاری تاکسی‌های برقی وارده شده از کشور چین نیز با بیان اینکه فرایند واگذاری تاکسی ها شروع شده و متقاضیان می توانند به سازمان تاکسیرانی مراجعه کنند گفت: نماینده بانک شهر نیز در سازمان تاکسیرانی مستقر شده و متقاضیان برای ارایه مدارک نیازی به مراجعه حضوری ندارند و درهمان مکان می‌توانند با معرفی ضامن کارهای خود را انجام دهند و پلیس نیز برای انجام کارهای تعویض پلاک هماهنگ است.

اثرات جنگ بر کدام گروه‌ها بیشتر است؟

کشته شدن بیشتر برای مردان، تبعات طولانی برای زنان

یک جامعه‌شناس می‌گوید: کارگران و زحمتکشان در هر فاجعه و بحران اجتماعی مثل سیل، همه‌گیری ویروس کرونا و جنگ بیش از سایر طبقات در تنگنا قرار می‌گیرند و درگیر تبعاتی مثل فقر و بیکاری می‌شوند. وقتی بنا به شرایط جنگی کار و تولید متوقف می‌شود، اولین آسیب متوجه کارگران می‌شود که کل زندگی‌شان تعلیق می‌شود. هم حال و هم آینده‌شان تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

تجربه جامعه ایران نشان داده که اولین گام‌ها برای گشایش در وضعیت کنونی می‌تواند اثرات قابل توجهی داشته باشد. یعنی همین که جامعه اطمینان می‌یابد که دیپلماسی دارد جایگزین جنگ می‌شود، پاسخ‌های مثبت ظاهر می‌شود و آرامش نسبی برقرار می‌شود

جنگ ۱۲ روزه تمام شد، اما تبعاتش نه تنها هنوز پابرجاست که می‌تواند طولانی‌مدت هم بشود، چه باید کرد؟ گروه‌های آسیب‌پذیر در جنگ علاوه بر زنان و مردان و کارگران و مهاجران چه کسانی هستند؟ در شرایط بحران چطور جامعه می‌تواند آرامش بیشتری را تجربه کند؟

دکتر سیمین کاظمی، پزشک و جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با خبرآنلاین به سوالات پاسخ داده است. او معتقد است که کارگران، تهیدستان، زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت کسانی هستند که بیشتر آسیب را در جنگ می‌بینند و جایگاه و اهمیت‌شان نسبت به قبل کمتر می‌شود و روند احقاق حقوق‌شان مشکل‌تر می‌شود.

کاظمی می‌گوید: مهم‌ترین کار دور کردن سایه جنگ از سر کشور و اتخاذ رویکردی است که کمترین آسیب را به جامعه وارد کند. هرچه جنگ و تهدید جنگ بیشتر طول بکشد آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی آن بیشتر خواهد بود و همبستگی و صبر و تحمل و تاب‌آوری مردم نیز کمتر خواهد شد.

او همچنین درباره اخراج مهاجران از کشور ادامه می‌دهد: برای مهاجران غیرقانونی نیز با تشکیل پرونده مهاجرت وضعیت آن‌ها بررسی شود و به‌خصوص به مهاجرانی که به‌عنوان کارگر مشغول کار هستند، ویزای کار دست‌کم موقت داده شود. کارگران مهاجر نقش مهمی در آبادانی ایران دارند و مواجهه با آن‌ها باید با نگاه انسانی و شفقت‌آمیز باشد.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

* جنگ ۱۲ روزه تمام شده است، اما طبعا اثرات منفی جنگ دست‌کم در کوتاه مدت از بین نمی‌رود، اثرات بلند مدت این جنگ چه خواهد بود؟

شرایط پیشینی جامعه در چگونگی و میزان تأثیرپذیری از جنگ تعیین‌کننده است. جامعه ایران پیش از جنگ در شرایط عادی و ثابت نبوده و با بحران‌های مختلفی روبه‌رو بوده و حالا بحران جنگ هم ظهور کرده است. در واقع جامعه ایران در تقاطع بحران‌ها قرار گرفته و حالا بحران جنگ که سهمگین‌تر از هر بحران دیگری است، جامعه را به بهت فرو برده است. آن هم جنگی نامتعارف که نه در مرزها که در قلب شهرهاست. بنابراین مهم‌ترین کار خروج از شرایط جنگی و تلاش برای حل سایر بحران‌ها است.

بدیهی است که جنگ بر وضعیت جوامع تأثیر می‌گذارد و وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تغییر می‌دهد. اما این‌که یک جنگ تمام شود و سایه آن به کلی دور شود یا این‌که تهدید جنگ همچنان وجود داشته باشد، نتایج متفاوتی را رقم می‌زند. نمونه‌های تاریخی مثل جنگ جهانی دوم را داشته‌ایم که به تغییرات عمیق و ساختاری در بعضی کشورها منجر شد، خود را بازسازی کردند و وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان بعدها بهتر شد. اما نمونه‌هایی هم هست مانند لیبی که هنوز درگیر جنگ و ناامنی است. این‌که جنگ چه اثراتی به جا بگذارد تا حدود زیادی به انتخاب حاکمان و تصمیم‌گیری آن‌ها بستگی دارد. این جنگ ۱۲ روزه می‌تواند به فرصتی برای بازاندیشی و درانداختن طرحی نو در اداره کشور تبدیل شود تا به سمت رفاه، پیشرفت اقتصادی، برابری و آزادی‌های اجتماعی حرکت کنیم و از تبعات منفی آن در امان باشیم. فراموش نکنیم که ما دهه‌هاست در این وضعیت بی‌ثباتی هستیم و کل هستی و حیات اجتماعی ما تحت تأثیر قرار گرفته است. این جنگ می‌تواند فرصتی برای پایان بحران باشد.

* چه گروه‌هایی بیشترین آسیب را خواهند دید؟

گروه‌هایی که در نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی جایگاه پایین‌تری داشته‌اند و از قدرت و منابع کمتری بهره‌مند بوده‌اند، تبعات سنگین‌تری را در جنگ متحمل می‌شوند. کارگران، تهیدستان، زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت کسانی هستند که بیشتر آسیب می‌بینند. جایگاه و اهمیت‌شان نسبت به قبل کمتر می‌شود و روند احقاق حقوق‌شان مشکل‌تر می‌شود.

* تاثیر جنگ در زنان متفاوت از مردان است؟

مردان در جنگ بیشتر کشته می‌شوند اما زنان بیشتر در معرض تبعات طولانی‌مدت جنگ هستند. جنگ گفتمان مردسالاری را تقویت می‌کند و حقوق زنان را به حاشیه می‌برد و زنان را منفعل و آسیب‌پذیر می‌کند. جنگ ستم جنسیتی را توجیه و تشدید می‌کند. باعث می‌شود زنان حداکثر در نقش قربانی ظاهر شوند. از طرفی بحران اقتصادی و فقر و بیکاری که بعد از جنگ تشدید می‌شود، وضعیت زنان را بدتر می‌کند. از آنجا که زنان بیشتر در بازار کار ثانویه مشغول کارند، با هر بی‌ثباتی و بحران زودتر مشاغل‌شان را از دست می‌دهند و امکانات کمتری برای احیای کسب‌وکارشان دارند. بیکار شدن زنان را فقیرتر می‌کند و آن‌ها را در معرض فقر و تبعاتش قرار می‌دهد.

* گروهی از کارگران و یا افراد مشغول در بخش خصوصی حتی در همان روزهای ابتدایی جنگ شغل‌شان را از دست داده‌اند، ارزیابی شما چیست؟ چطور صاحبان کار و مشاغل می‌توانند به راحتی حقوق کارگران را نادیده بگیرند؟

کارگران و زحمتکشان در هر فاجعه و بحران اجتماعی مثل سیل، همه‌گیری ویروس کرونا و جنگ بیش از سایر طبقات در تنگنا قرار می‌گیرند و درگیر تبعاتی مثل فقر و بیکاری می‌شوند. وقتی بنا به شرایط جنگی کار و تولید متوقف می‌شود، اولین آسیب متوجه کارگران می‌شود که کل زندگی‌شان تعلیق می‌شود. هم حال و هم آینده‌شان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در واقع در شرایطی که امنیت و بقا در خطر است، معیشت به درجه دوم اهمیت سقوط می‌کند و کارگران برای اولیه‌ترین نیازهای‌شان با مشکل مواجه‌اند. از طرفی کارفرماها با استفاده از شرایط پیش‌آمده جنگی می‌توانند حقوق کارگران را پایمال کنند. این وضعیت به‌خصوص در مورد کارگرانی که مشمول قانون کار نمی‌شوند آسیب‌زاتر است. برای همین لازم است شرایط کارگران مدنظر قرار گیرد و از حمایت‌های لازم مثل پرداخت حقوق بیکاری برخوردار شوند.

* در این روزها بحث مهاجران و اتباع افغانستانی باز هم مورد چالش قرار گرفته، گرچه صحبت از اخراج اتباع غیرقانونی می‌شود اما طبعا اتباعی که قانونی هم در ایران ساکن هستند، مورد آسیب قرار می‌گیرند، شما چطور ارزیابی می‌کنید؟

با ظهور طالبان و آمدن گروهی از مهاجران به ایران، مخالفت با حضور مهاجران شدت گرفت و منابعی که موج ضد مهاجر را پمپاژ می‌کردند، پروژه اهریمن‌سازی از افغانستانی‌ها و هراس اجتماعی از مهاجران را راه انداختند. در این پروژه مهاجران را منبع شرّ و مسئول جرائم معرفی می‌کنند و با ترویج شووینیسم رفاهی به جامعه القا کرده‌اند که منابع و امکانات و یارانه‌ها و حتی نان حق ایرانی‌هاست و نباید گذاشت افغانستانی‌ها از آن استفاده کنند. این اهریمن‌سازی و شووینیسم رفاهی فقط ساخته رسانه‌ها نیستند و برخی مسئولان دولتی هم به این آتش می‌دمند. مهاجرستیزی پدیده‌ای است که کارکردهای مثبتی برای دولت دارد و بنابراین از آن حمایت می‌شود.

در شرایط بحران اقتصادی و فقر و نابرابری‌های موجود و سوءمدیریت و فساد، مهاجرستیزی تحلیل‌های ساختاری را به حاشیه می‌برد و با برجسته کردن نقش منفی مهاجران، راه‌حل ساده‌ای برای مشکلات می‌سازد که طرد و اخراج مهاجران است. از طرف دیگر تضادهای اجتماعی را از تضاد طبقاتی به تضاد بین جامعه میزبان و مهاجران منحرف می‌کند. در واقع باعث می‌شود نابرابری طبقاتی دیده نشود، در عوض کارگران افغانستانی به‌عنوان مسئول فلاکت جامعه معرفی شوند. این یک تحریف موفقیت‌آمیز و رندانه است از وضعیت اجتماعی که با پروژه افغان‌ستیزی پیش می‌رود. حالا در شرایط جنگی افغان‌هراسی هم وارد مرحله جدیدتری شده و با بزرگ‌نمایی و سوار شدن بر موج شایعات، مهاجران به‌عنوان خطر امنیتی بازنمایی می‌شوند و تکاپو برای طرد و فشار بر آن‌ها بیشتر شده است. حالا شرایطی ایجاد شده که هر افغانستانی چه اقامتش قانونی و چه غیرقانونی باشد، مورد سوءظن جاسوسی و همدستی با دشمن است و این مسئله به انزوا و دشوارتر شدن شرایط زندگی مهاجران منجر شده است. از طرفی فعالان مدنی و اجتماعی و روشنفکران و ... برای آن‌که مورد انتقاد قرار نگیرند و با واکنش منفی مواجه نشوند، عموماً در این مورد سکوت کرده‌اند.

* نحوه برخورد صحیح با حضور و اخراج اتباع غیرمجاز چگونه باید انجام شود؟

مهاجرت یک واقعیت جهان امروز است، ناامنی، بحران اقتصادی و جنگ افراد را مجبور به ترک سرزمین‌شان می‌کند. حضور مهاجران بنا به شرایط ممکن است فرصت یا تهدید قلمداد شود. در ایران از مهاجران به‌عنوان نیروی کار ارزان و مطیع استفاده می‌شود ولی قائل به اعطای هیچ مزایای اجتماعی به آن‌ها نیستند. یعنی عملاً تفاوتی بین مهاجر قانونی و غیرقانونی وجود ندارد. پروژه طرد همه آن‌ها را درگیر کرده است. این در حالی است که انتظار می‌رود تدابیری اتخاذ شود که مهاجرت به طریق قانونی امکان‌پذیر باشد و مهاجرانی که فرایند قانونی اقامت را طی کرده‌اند از حقوق اجتماعی برخوردار شوند.

برای مهاجران غیرقانونی نیز با تشکیل پرونده مهاجرت وضعیت آن‌ها بررسی شود و به‌خصوص به مهاجرانی که به‌عنوان کارگر مشغول کار هستند، ویزای کار دست‌کم موقت داده شود. کارگران مهاجر نقش مهمی در آبادانی ایران دارند و مواجهه با آن‌ها باید با نگاه انسانی و شفقت‌آمیز باشد. برخورد پلیسی و خشونت‌آمیز و طرد مهاجران غیرانسانی است و کمکی به حل مسئله نمی‌کند و صرفاً به خشونت و تنش در جامعه منجر می‌شود. بگیر و ببند و اخراج مهاجران در سطح بین‌المللی هم چهره‌ی خوبی از ایرانیان نمی‌سازد و تصویری بی‌رحم و فاقد مدارا از آن‌ها به جهانیان نشان می‌دهد.

* آسیب‌های نامرئی جنگ شامل چه مواردی می‌شود؟

جنگ موجب می‌شود، اولویت‌های جامعه تغییر کند و ما را به نقطه صفر در زندگی اجتماعی برساند. یعنی امنیت و بقا به دغدغه و نگرانی اصلی جامعه تبدیل می‌شود و سایر وجوه زندگی کمرنگ می‌شود. در چنین وضعیتی بسیاری از موضوعات و مسائل که پیش‌تر برای جامعه اهمیت داشتند از اولویت خارج و به خواسته‌هایی لوکس و نامتناسب با شرایط جنگی تبدیل می‌شوند. جامعه‌ای که با جنگ و تهدید روبه‌روست از پیشرفت و رفاه باز می‌ماند و ارزش‌ها و روابط اجتماعی و فرهنگ آن آسیب می‌بیند.

در وضعیت جنگی و تهدید جنگ، منابع و بودجه کشور به ناگزیر صرف جنگ می‌شود و بودجه خدمات اجتماعی، بودجه آموزش و بهداشت کاهش می‌یابد و این خود اثرات منفی شدیدی بر جامعه خواهد گذاشت.

* اساسا مهم‌ترین اقداماتی که باید از سوی حاکمیت برای عبور از این روزها و حمایت از مردم صورت بگیرد، چیست؟

مهم‌ترین کار دور کردن سایه جنگ از سر کشور و اتخاذ رویکردی است که کمترین آسیب را به جامعه وارد کند. هرچه جنگ و تهدید جنگ بیشتر طول بکشد آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی آن بیشتر خواهد بود و همبستگی و صبر و تحمل و تاب‌آوری مردم نیز کمتر خواهد شد. بنابراین لازم است با رویکرد عقلانی و محاسبه آسیب‌های ناشی از جنگ و در نظر گرفتن مصالح و منافع جامعه به سمت پایان دادن به وضعیت جنگ و ناامنی گام برداشته شود. گاهی تغییر موضع عاقلانه می‌تواند نجات‌بخش باشد. در وهله بعد ترمیم زخم‌های جنگ و اتخاذ شیوه‌هایی که به بهبود وضعیت اقتصادی منجر می‌شود می‌تواند در برون‌رفت از وضعیت فعلی راهگشا باشد. برداشته شدن تحریم‌ها، خروج از انزوا، تمرکز بر رفاه اجتماعی و بازسازی جامعه بر مبنای عدالت و آزادی مهم‌ترین راه برای گذار از وضعیت فعلی است.

تجربه جامعه ایران نشان داده که اولین گام‌ها برای گشایش در وضعیت کنونی می‌تواند اثرات قابل توجهی داشته باشد. یعنی همین‌که جامعه اطمینان می‌یابد که دیپلماسی دارد جایگزین جنگ می‌شود، پاسخ‌های مثبت ظاهر می‌شود و آرامش نسبی برقرار می‌شود. جامعه منتظر شنیدن خبر حل مسائل با دیپلماسی و پرهیز از مناقشه نظامی است.

تاثیرات جنگ بر معیشت مردم

کارگرانی که بی‌پشتوانه رها شدند!

فقط مساله نبود کار و بی‌روزی ماندن افراد روزمزد نیست؛ طی روزهای جنگ قیمت مایحتاج عمومی مردم نیز به یکباره افزایش چشمگیری داشته است. مثل مرغ که در میانه این روزها قیمتش به کیلویی ۱۵۰ هزار تومان هم رسید.

به گزارش تجارت نیوز، در کلان شهری مانند تهران درصد زیادی از مردم به خصوص آنها که بیشتر برای کسب درآمد و یافتن شغل از شهر و دیار خود به آن مهاجرت کرده‌اند، گذران زندگی به صورت روزانه است. یعنی افراد هزینه‌های زندگی‌شان را به صورت روزمره کسب می‌کنند. از کارگران روزمزد گرفته تا دستفروشی که در کنار خیابان بساط پهن کرده و تا آنهایی که شغل‌های خدماتی دارند و باز هم کسب درآمدشان به صورت روزانه است. در ۱۲ روزی که تهران تبدیل به شهری ساکت و خلوت شد این افراد با مشکلات زیادی مواجه شدند. نه درآمدی داشتند و نه پشتوانه مالی که بتوانند روزهای بیکاری را با تکیه بر آن بگذرانند. آنها حالا با سفره‌های خالی و بی‌پشتوانه‌ای مواجه‌اند که هیچ ایده‌ای برای تامین حداقل‌های زندگی خود ندارند.

افزایش قیمت‌ها و سرگردانی کارگران

اما فقط مساله نبود کار و بی‌روزی ماندن افراد روزمزد نیست؛ طی روزهای جنگ قیمت مایحتاج عمومی مردم نیز به یکباره افزایش چشمگیری داشته است. مثل مرغ که در میانه این روزها قیمتش به کیلویی ۱۵۰ هزار تومان هم رسید. مساله اینجاست که دولت چه تدبیری برای این شرایط اندیشیده است؟ حالا که جنگ تمام شده اما هنوز اما و اگرهای زیادی درباره آن ادامه دارد بسیاری از افراد یا کسب و کارشان کساد شده و یا شامل تعدیل نیروی کار شده‌اند، افزایش قیمت‌ها هم مزید بر علت شده است. اعلام نرخ تورم خردادماه از سوی مرکز آمار هم گواه این مدعاست.

تعداد خیرین رو به کاهش است

در تمام این سال‌ها اگر خانواده‌ای با مشکل مواجه می‌شد همیشه افراد خیری بودند که برای رفع احتیاج آنها پا پیش بگذارند. نه تنها در مورد تامین هزینه‌های زندگی که حتی برخی خیران در تامین هزینه‌های مراکز درمانی، ساخت مدارس و ... همیشه پیشگام بودند اما طی سال‌های اخیر و به خصوص بعد از پاندمی کرونا و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها گویا خیرین هم دیگر با مشکلات اقتصادی بسیاری مواجه شده‌اند. حالا حتی دیگر سامانه حمایت از افراد بی‌بضاعت و دستفروشانی که شغل خود را به واسطه وضعیت جنگی کشور از دست داده‌اند، هم کار نمی‌کند. همه چیز در ۱۲ روز جنگ آنقدر پیچیده شد که خیلی‌ها انگار سال‌هاست اسیر این شرایط بغرنج مانده‌اند.

دولت باید با ارائه بسته‌های حمایتی به کارگاه‌ها و شرکت‌ها مانع از تعدیل نیرو شود

عاطفه رحیمی، کارشناس بازار کار در این باره به تجارت‌نیوز می‌گوید: فقط مساله افراد روزمزد و کارگران و دستفروشان نیستند. متاسفانه بسیاری از افرادی هم که دارای شغلی بوده و حقوق ماهیانه دریافت می‌کردند شامل تعدیل نیرو شده و کارشان را از دست دادند. البته این مساله تقصیر کارفرما هم نیست در واقع این دولت است که باید با ارائه بسته‌های حمایتی به کارگاه‌ها و شرکت‌ها و... مانع از تعدیل نیرو شود.

او می افزاید: چند تن از دوستان روزنامه‌نگار من نیز با همین وضعیت مواجه شدند. آنها در بحبوحه جنگ هم در حال کار کردن و انتشار اخبار بودند اما متاسفانه برخی از کارفرمایان در این حوزه بدون هیچ توضیحی آنها را از کار بر کنار کرده و حق و حقوشان را پرداخت نکردند.

این کارشناس بازار اظهار می‌دارد: شرکت‌های خصوصی هم از این قاعده مستثنی نبودند. در واقع مردمی که مدت‌های مدیدی بود با توجه به شرایط بد اقتصادی مشکلات معیشتی

بسیاری داشتند جنگ هم بر مشکلات آنها افزود و چرخه زندگی‌شان را مختل کرد.

عاطفه رحیمی در ادامه به تعطیلی کارگاه‌های کوچک اشاره کرده و می‌گوید: یک سری از افرادی هم که در کارگاه‌های تولیدی کوچک مثل تولید لباس و کفش و... کار می‌کردند به همین بهانه از کار اخراج شده‌اند. آن هم در شرایطی که با توجه به تعطیلی اکثر ادارات و دورکاری کارمندان دولت حتی امکان احقاق حق خود از اداره کار را هم ندارند.

او ادامه می‌دهد: متاسفانه هیچ ساز و کار مشخصی که ضمانت اجرایی محکمی داشته باشد برای چنین شرایطی در نظر گرفته نشده و هر اتفاقی مانند پاندمی کرونا و یا مساله‌ای مثل جنگ باعث می‌شود تا جمعیت قابل توجهی از کارگران و شاغلان بدون پشتوانه رها شده و شامل طرح‌هایی مانند تعدیل نیرو، عدم پرداخت دستمزد و... شوند.

خبر

هم‌نوایی نبض داغ زاگرس با مرثیه بلوط

بر اساس جدیدترین آمار اعلام شده بیش از ۹۰ درصد از آتش‌سوزی جنگل و مراتع در حوزه زاگرس است؛ پهناورترین جنگل غرب آسیا که بلوط‌هایش به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگیش شناخته می‌شوند. حالا اما کارشناسان مواردی را نشانه زوال این جنگل‌ها برمی‌شمارند مانند کاهش زایش بلوط که در کنار آتش‌سوزی‌های متعدد با این جغرافیای کهن دست به گریبان شده است.

به گزارش ایسنا، زخم‌هایی بر تن طبیعت ایران هست که گهگاه باز می‌شود؛ شعله می‌کشد و به جان سوخته‌اش داغ می‌زند. با آغاز هر تابستان، داغ‌های بیشتری بر تن نحیف طبیعت ایران نقش می‌بندد؛ محیطی که پیش‌تر پوشش متراکمش، خنکای بهار را زیر سایه تابستان می‌بُرد. از مهم‌ترین آتش‌سوزی‌های جنگلی ایران در دو دهه اخیر می توان به حریق‌هایی که اشاره کرد که هر ساله در تابستان، دل جنگل‌های زاگرس را می‌سوزاند؛ جنگل‌های بلوط مرثیه برگ‌ها را می‌خوانند و خاکستریِ امید با بوی نان داغ روستازادگان و دود بلوط همراه می‌شود.

زاگرس، همچون آرامگاهی هزاران ساله، سال‌ها پچ پچ برگ‌ها، زمزمه تپه‌ها و دل‌نوشته‌های بلوط را در سینه جای داده است. حالا آمار می‌گوید این سینه داغدار با گونه‌های منحصربه‌فردش، سالانه ۳۰ هزار هکتار از پوشش خود را در اثر آتش‌سوزی از دست می‌دهد و به گفته علی تیموری - رییس سازمان منابع طبیعی - بیش از ۹۰ درصد از آتش‌سوزی جنگل و مراتع در حوزه زاگرس است؛ یکی از جدی‌ترین تهدیداتی که همراه با اثر تغییرات اقلیمی، بهره‌برداری‌های غیرقانونی و بی‌رویه و چرای بیش از حد دام نفس‌های آخر بلوط را رقم می‌زند.

زاگرس، پهناورترین جنگل‌های غرب آسیا با وسعت تقریبی ۶ میلیون هکتار، نبض زندگی را با حفظ تنوع زیستی، تامین منابع آب، تعدیل اقلیم محلی، امنیت زیستی و تامین معیشت میلیون‌ها نفر از ساکنان محلی زنده نگه داشته است، عمده جنگل‌های زاگرس دارای تنوع ژنتیکی بلوط است و درخت بلوط به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زاگرس شناخته می‌شود؛ با تنه‌ای قدرتمند و مقاوم و شاخه‌هایی که در آن خاطرات ایل‌هاست و بعضی این خصلت‌ها را به به مردم زاگرس‌نشین تشبیه‌می‌کنند.

با این وجود اما حالا کمتر رویشگاهی در زاگرس دیده می‌شود که بلوط‌هایی با سنین متفاوت در آن قرار گرفته باشد. کارشناسانی معتقدند این نشانه‌ای از حرکت جنگل‌های زاگرس به سمت زوال است این در حالیست که یک سوم باران کشور، در این منطقه می‌بارد و بوم سازگان زاگرس، مسئولیت تنظیم ۴۰ درصد چرخه آب را بر عهده دارد. گفته می‌شود دست کم یک پنجم از جغرافیای سرزمینی ایران، وام‌دار جغرافیای زاگرس است. در حال حاضر در جنگل‌های زاگرس تقریبا زاد آوری جنسی وجود ندارد، پوشش تاج درختان به طور قابل‌توجهی کاهش یافته است و بیش از ۶۰ درصد جنگل‌های زاگرس از نظر تاج پوشش در وضعیت بحرانی قرار دارند.

بر اساس آمار سازمان ملل سالانه ۱۰ میلیون هکتار جنگل در سطح دنیا از دست می‌رود که از مهم‌ترین دلایل آن تغییرات اقلیمی است. این شرایط برای کشورهایی با پوشش کم جنگلی چالش‌هایی را ایجاد کرده و در ایران با آتش‌سوزی مکرر جنگلی، به ویژه در فصول گرم سال موقعیتی پیچیده تر نیز ایجاد شده است. به عنوان مثال تغییرات اقلیمی، یعنی تغییرات بلندمدت پیشین در آب و هوای زمین که به دلیل فعالیت‌های مخرب انسانی تشدید شده شرایطی را ایجاد کرده که تقریبا تمام یخچال‌های طبیعی رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس از بین رفته است که در نهایت منجر به خشکی زمین می‌شود. چنین عواملی نیز احتمال وقوع آتش‌سوزی‌های جنگلی را تشدید می‌کند.

سال گذشته بیش از ۴۷ هزار هکتار از اراضی جنگلی کشور دچار حریق شد. آمارهای اعلام شده از سازمان‌های متولی حاکی از آن است که حدود ۹۵ درصد آتش‌سوزی‌های جنگلی به دست انسان ایجاد می‌شود این در حالیست که انسان بخشی از طبیعت است و زمانی که بدون توجه به ظرفیت زیست‌بوم، فعالیت‌های توسعه‌ای، صنعتی، کشاورزی و شهرسازی را گسترش دهد، طبیعت نیز دچار اختلال می‌شود. این اختلال در نهایت با شدت بیشتر به جامعه انسانی بازمی‌گردد، جنگل‌ها خشک می‌شوند و آتش‌سوزی افزایش می‌یابد. بر همین اساس نقش انسان در آتش سوزی جنگل‌ها بسیار جدی است.

در همین رابطه جلوگیری و کاهش آتش‌سوزی‌های جنگلی، علاوه بر تدابیر معمول و بدیهی مانند خودداری از روشن کردن آتش، نیازمند تدابیری ویژه است. این شرایط به ویژه در جنگل‌های زاگرس که درهم تنیده با زندگی زاگرس‌نشینان است، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. در این اقلیم که از سال‌ها قبل در سایه‌سار کوه‌هایش مردم زندگی می‌کردند و چشم انداز کوچ است، حفاظت از جنگل با جلب مشارکت مردم و ایجاد منافع برای آن‌ها پیوند خورده است.

علاوه بر این پای اقداماتی مانند حفاظت پایدار با رویکرد اکوسیستمی و منطقه‌ای، تجهیزات مقابله‌ای هوشمند با آتش‌سوزی‌های جنگلی با توسعه سامانه ملی پایش و هشدار سریع آتش‌سوزی و... نیز در میان است همچنین انجام مطالعات دقیق و تخصصی در این رابطه با علل آتش سوزی‌ها و عواملی که سرعت تغییرات اقلیمی را کُند می‌کند نیز ضروری به نظر می‌رسد چرا که بعضی کارشناسان معتقدند که عامل اصلی افزایش آتش‌سوزی‌ها در زاگرس افزایش رخدادهای حدیبه سبب گرم شدن کره زمین است که یک نتیجه آن افزایش بی‌سابقه‌ی گرما و وزش بادهای بسیار تند و داغ است.